

استراتژی چهار دهه تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران

مهدی ذوالفقاری^۱، حمید احمدی‌نژاد^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روابط واشنگتن و تهران همواره خصمانه و دارای پتانسیل درگیری بین دو کشور در برخی از مقاطع نمایان بوده است. کنش‌های رفتاری ایالات متحده در هر دوره‌ای به تناسب گفتمان و سیاست خارجی هر رئیس‌جمهور ابعادی خاص داشت. کنکاش در کنش‌های آمریکا نشان از نوعی ثبات رویکردی دارد که می‌توان آن را اصلی‌ترین استراتژی آمریکا قلمداد کرد. این استراتژی پنهان، «استراتژی لبه‌ی پرتگاه» (تقابل تا آستانه فاجعه) با هدف وادار کردن ج.ا.ایران به سازش یا عقب‌نشینی از اهداف و آرمان‌های خود بوده است. مبتنی بر این مفروض، سؤال پژوهش به این قرار است: اصلی‌ترین استراتژی شکل‌دهنده به تقابل آمریکا با ج.ا.ایران و راهبرد ج.ا.ایران در برابر آنچه بوده است؟ فرضیه به این قرار است که ریشه‌ی همه‌ی اقدامات آمریکا برآمده از استراتژی لبه‌ی پرتگاه با سه وجه «تحریم»، «تهدید نظامی» و «اجماع‌سازی» است و راهبرد ج.ا.ایران در مقابل آن، صبر استراتژیک مبتنی بر مقاومت اقتصادی، افزایش نفوذ منطقه‌ای و شکست‌گزینه‌ی اقدام نظامی آمریکا بوده است. رویکرد این مقاله، کیفی و پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: استراتژی، لبه پرتگاه، استثناگرایی، صبر استراتژیک، تقابل آمریکا با ج.ا.ایران.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، (نویسنده مسئول).

zolfaghari.m@lu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان،

ahmadinejad@khu.ac.ir

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، فصل جدیدی در تاریخ ایران مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های ملی متفاوت را شروع کرد. این قالب نوین در عرصه‌ی سیاست خارجی به تناسب هویت برساخته‌ی جدید «دوستان» و «دشمنان» خود را تعریف کرد که در این عرصه، ایالات متحده آمریکا بر اساس تقابل‌های هویتی، ژئوپلیتیکی، ارزشی و ایدئولوژیک در زمره‌ی دشمنان ج.ا.ایران قرار گرفت. لذا از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش آمریکا برای ایجاد «ایران‌هراسی»، تعریف ج.ا.ایران به‌عنوان دشمنی بالقوه برای این کشور و در شکل بزرگ‌تر برای صلح بین‌الملل شروع شد. از آن زمان به بعد، تبلیغات سیاسی و پروپاگاندا علیه ج.ا.ایران در ابعاد مختلف در دستور کار رهبران و نخبگان سیاسی ایالات متحده قرار گرفت. هدف آمریکا از این اقدام، تأثیرگذاری بر قدرت ایران و به حاشیه راندن آن بود. در این مسیر، آمریکا طی چهار دهه از هیچ اقدامی فروگذار نبوده است. تهدید، ترور، تحریم، تحریک مخالفان ج.ا.ایران در سطح داخلی و خارجی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تنها بخش کوچکی از اقدامات آمریکا برای تحت تأثیر قرار دادن و وادار کردن ج.ا.ایران به عقب‌نشینی از مواضع خود بوده است.

اقدامات آمریکا در ادوار مختلف علیه ج.ا.ایران ذیل استراتژی‌های متفاوتی انجام گرفته است. به‌واقع، هرگاه مقامات آمریکا به ناکامی و نتیجه‌بخش نبودن استراتژی‌های خود پس از یک دوره پی می‌بردند، به سمت‌وسوی راهبردی دیگر در جهت شکست دادن ج.ا.ایران گرایش پیدا می‌کردند. نکته اساسی در این است که این تحول استراتژی‌ها تنها تغییر در نام بود؛ لذا تاریخ چهل سال گذشته نشان می‌دهد تاکتیک‌های آنها در یک شکل، ساختار و برآمده از یک استراتژی اصلی بوده است. این استراتژی که می‌توان آن را مادر همه‌ی استراتژی‌های آمریکا در برابر ج.ا.ایران نامید، مبتنی بر تهاجم و با هدف ایجاد ترس، تحریک ج.ا.ایران برای دست کشیدن از اهداف خود و به نوعی ایجاد تمایل در سازش با آمریکا بوده است. اساس این استراتژی با عنوان لبه‌ی پرتگاه، اقدامات تهاجمی و نزدیک به آستانه‌ی

فاجعه از سوی آمریکا بوده است تا شاید از این رهگذر ج.ا.ایران را به عقب‌نشینی از مواضعش وادار کند.

این مقاله با تمرکز بر چهار دهه تقابل آمریکا ذیل اقدامات متفاوت به بررسی این سؤال می‌پردازد: اصلی‌ترین استراتژی شکل‌دهنده به تقابل آمریکا با ج.ا.ایران و راهبرد ج.ا.ایران در برابر آن چه بوده است؟ نویسندگان ضمن بررسی عامل محوری ایجاد تقابل میان ج.ا.ایران و آمریکا، با استفاده از استراتژی لبه‌ی پرتگاه به‌عنوان مبنای تحلیل، اصلی‌ترین ابعاد تقابل آمریکا را ذیل سه عنصر بررسی می‌نمایند. سپس استراتژی ج.ا.ایران و نتایج آن در تقابل با این استراتژی را مورد تبیین قرار خواهند داد. مدل مفهومی پژوهش بر اساس تقابل آمریکا با ج.ا.ایران و متقابلاً تقابل ج.ا.ایران در برابر استراتژی آمریکا برای به نتیجه رسیدن استراتژی هر یک از آنها و یا یک توافقی حداقلی امری که تاکنون برآورده نشده را می‌توان براساس شکل (۱) نشان داد.



شکل شماره ۱. فرآیند تقابل آمریکا و ج.ا.ایران برای پیروزی استراتژی یا عقب‌نشینی طرف مقابل (دورفلد، ۲۰۱۸)

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه‌شناسی تحقیق

شهبازی و دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای با عنوان «تلاش برای شناسایی: تفسیری بازنمایانه از روابط ج.ا.ایران و آمریکا» (۱۴۰۰) با اعتقاد به خود توصیفی دولت‌ها و با تمرکز بر بستر خاص مناقشه‌ی هسته‌ای معتقدند: علت اصلی تداوم منازعه میان ج.ا.ایران و آمریکا، مبارزه آنها برای شناسایی از سوی یکدیگر است.

دهشیار در مقاله «ج.ا.ایران و آمریکا: عبور از رودخانه رویکن» (۱۳۹۹) این سؤال را طرح کرده است: بن‌مایه سیاست کنش متقابل مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر میان ج.ا.ایران و آمریکا چه می‌باشد؟ نتایج بررسی مقاله حاکی از آن است که تلاش ج.ا.ایران برای دگرگون ساختن چگونگی توزیع قدرت در سیستم بیشترین بهره‌ها را نصیب آمریکا می‌نماید. از سوی دیگر، اقدامات آگاهانه آمریکا برای محقق ساختن هم‌زمان بی‌نظمی «نرم» و «سخت» بسترساز دشمنی میان این دو کشور است.

رضائی‌جعفری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تقابل آمریکا با انقلاب اسلامی در عصر جهانی‌شدن از منظر هرمنوتیک روشی» (۱۳۹۷) با سؤال از تأثیر تفسیر آمریکا از جهانی‌شدن در مواجهه با ج.ا.ایران، معتقد هستند سه اندیشه «استثناگرایی»، «پایان تاریخ» و «جنگ تمدن‌ها» باعث تفسیری تک‌بعدی از جهانی‌شدن نزد آمریکا شده است. در مقابل این تفسیر، انقلاب اسلامی ایران با به چالش کشیدن آن معتقد به تعامل عزتمندانه با دیگر فرهنگ‌ها است.

«سراج» و «باکار»^۱ در مقاله «روابط ج.ا.ایران و آمریکا: از استثناگرایی تا سیاست مهار»^۲ (۲۰۲۲) دو استراتژی استثنایی‌گرایی و مهار را در مورد روابط ایالات متحده و ج.ا.ایران در دوران حکومت پهلوی و پس از انقلاب به کار گرفتند. آنها به این نتیجه رسیدند که به‌کارگیری این استراتژی‌ها تنها باعث ایجاد چالش‌های منطقه‌ای برای آمریکا و افزایش جایگاه ج.ا.ایران شده است.

1. Siraj and Bakare

2. Iran–USA Relations: From Exceptionalism to Containment Policy

مشیرزاده و نظیف‌پور^۱ در مقاله «استثناگرایی ایرانی و روابط ج.ا.ایران و آمریکا: از ۲۰۲۱ تا ۱۹۷۹»^۲ (۲۰۲۰) با تأکید بر استثناگرایی ایرانی معتقد هستند رهبران گفتمان سازش در ج.ا.ایران به دنبال تعامل و سازش با آمریکا به‌عنوان پیش‌شرط توسعه هستند. اما در طرف مقابل رهبران گفتمان مقاومت با تعریف استقلال به‌عنوان هدف سیاست خارجی، هرگونه سازشی با آمریکا را تهدیدی برای استثناگرایی ج.ا.ایران تلقی می‌کنند.

«دانکومب»^۳ در کتاب «بازنمایی، شناخت و احترام در سیاست جهانی: مورد روابط آمریکا و ج.ا.ایران»^۴ (۲۰۱۹) معتقد است نحوه‌ی بازنمایی و به رسمیت شناختن یک دولت بر رفتارهای سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارد. به همان میزان، درست نشناختن و عدم احترام به تضاد منجر می‌شود. با توجه به همین اصل، نویسنده موفقیت دولت اوپاما در به نتیجه رساندن توافق هسته‌ای با دولت روحانی را ناشی از احترام متقابل و شناسایی هویت ج.ا.ایران تلقی می‌کند.

پژوهش حاضر اگرچه در برخی از موارد با آثار پیشین اشتراک دارد ولی تمایز و نوآوری نسبت به آنها دارد که این موارد به قرار زیر است:

(۱) ریشه‌یابی بن‌مایه‌ی خصومت آمریکا نسبت به ج.ا.ایران (یعنی عاملی که باعث تقابل بین دو کشور شده است)،

(۲) تبیین استراتژی خصومت دو کشور با ذکر مؤلفه‌های آن در یک نگاه کلان بدون تقسیم‌بندی و مجزا نمودن دوره‌ها و گفتمان‌های سیاست خارجی آمریکا.

به‌عبارتی این پژوهش با وجود نام‌های متفاوت، استراتژی آمریکا پس از انقلاب اسلامی را مبتنی بر یک استراتژی برای ایجاد بحران با هدف عقب‌نشینی ج.ا.ایران از اهداف خود ترسیم کرده است.

1. Moshirzadeh and Nazifpour

2. Iranian Exceptionalism and Iran- US Relations: From 1979 to 2021

3. Duncombe

4. Representation, recognition and respect in world politics: the case of Iran-US relations

۲-۲. مبانی نظری؛ استراتژی لبه پرتگاه^۱

یکی از جالب‌ترین پدیده‌ها در سیاست جهانی، استراتژی لبه پرتگاه است. این استراتژی که می‌تواند بسیار خطرناک هم باشد، اغلب به وسیله‌ی کشورها برای دستیابی به برتری در روابط بین‌الملل استفاده می‌شود. استراتژی لبه پرتگاه اساساً نوعی «بازی جوجه»^۲ بین دو کشور است که هر یک از طرفین، طرف دیگر را به سمت آستانه جنگ می‌کشاند تا امتیازاتی را به دست آورد یا آن را به نتیجه‌ی دلخواه خود وادار نماید. لبه پرتگاه استراتژی پرمخاطره‌ای است که نیاز به محاسبه دقیق دارد؛ اما اگر به‌درستی انجام شود، می‌تواند به میزان زیادی نتیجه دهد.

«توماس شلینگ» این استراتژی را ایجاد عمدی خطر قابل تشخیص جنگ می‌داند که به‌طور کامل کنترل نمی‌شود. در این تاکتیک عامدانه، تا حدی اجازه خارج شدن شرایط از کنترل داده می‌شود؛ فقط به دلیل این‌که ممکن است این حالت برای طرف مقابل غیرقابل تحمل باشد و او را وادار به سازش کند (شلینگ^۳، ۱۹۸۰: ۲۰۰). در تعریفی مشابه، لبه پرتگاه نوعی استراتژی تلقی می‌گردد که در طول یک بحران اتخاذ می‌شود تا دشمن را وادار به انجام یک حرکت آستی‌جویانه نماید (ایوانز و نیونهام^۴، ۱۹۸۸: ۵۶).

پیوند بین سیاست خارجی آمریکا و استراتژی لبه پرتگاه بیش از هر کسی با نام جان «فاستر دالس»^۵ وزیر امور خارجه این کشور در دهه ۵۰ گره خورده است. دالس در سال ۱۹۵۶ در مصاحبه‌ای با مجله «لایف»^۶ این اصطلاح را به کار برد. وی لبه‌ی پرتگاه را توانایی رسیدن به آستانه‌ی فاجعه بدون وارد شدن به جنگ تعریف کرده است (دابسون^۷، ۲۰۰۹:

1. Brinkmanship Strategy
2. Game of Chicken
3. Schelling
4. Evans and Newnham
5. John Foster Dulles
6. Life
7. Dobson

۲۸۶). او این توانایی را هنر لازم می‌داند و معتقد است فرار و ترس از رفتن به لبه پرتگاه معادل با شکست خوردن است (فورمن^۱، ۲۰۱۷).

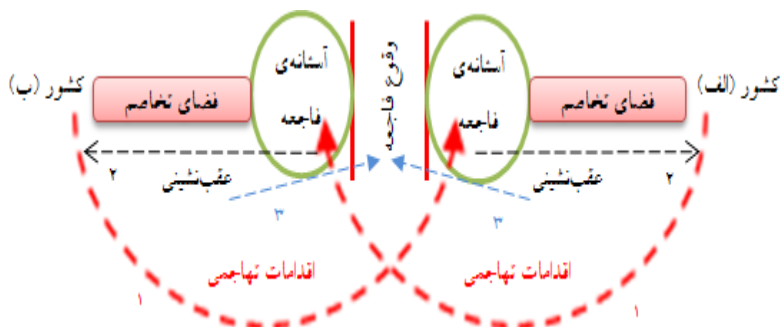
لبه‌ی پرتگاه راهبردی است که در آن یک کشور برای رسیدن به هدفی خاص، موقعیت خطرناکی را تا مرز فاجعه پیش می‌برد. در این موقعیت تنش‌ها به حدی است که یک یا هر دو طرف درگیر احساس می‌کنند باید تصمیمی برای عقب‌نشینی یا اقدام بیشتر اتخاذ کنند. ایده‌ی پشت این استراتژی به وجود آوردن موقعیتی است که طرف مقابل احساس کند با عدم عقب‌نشینی، چیزهای بیشتری را از دست می‌دهد و در آن‌سو، برای طرف اول که به وجود آورنده‌ی شرایط بوده نیز اهرمی در جهت رسیدن به منافع ایجاد خواهد کرد (اسدیان، ۱۴۰۲). به این ترتیب می‌توان گفت این استراتژی مجموعه‌ای از تکنیک‌های تنش‌زا را دنبال می‌کند تا جایی که طرف مقابل یا با طرف متخاصم موافقت کند یا کنار برود. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های که استراتژی لبه پرتگاه باید برای اجرا داشته باشد عبارت‌اند از:

- (۱) اهدافی که استراتژی لبه پرتگاه آنها را مورد هدف قرار می‌دهد باید برای بقاء دولت یا رهبری سیاسی آن حیاتی باشد؛
- (۲) توانایی لازم برای اجرای تهدید باید معتبر باشد؛
- (۳) تهدید به اندازه‌ای بزرگ نباشد که انجام آن برای خود تهدیدکننده خطرناک باشد (زیرا در این صورت تهدید بی‌اعتبار می‌شود)؛
- (۴) در صورتی که استراتژی مسیر مورد نظر را دنبال نکند باید برنامه‌ای برای عقب‌نشینی در زمان مناسب وجود داشته باشد؛
- (۵) وقتی تهدید یا تقاضایی بر اساس این استراتژی مطرح می‌شود باید دلیلی برای پذیرش آن از سوی طرف مقابل وجود داشته باشد؛
- (۶) با توجه به اینکه ممکن است هدف نهایی در ابتدا تعریف نشود لذا استراتژی باید مراحل محاسبه‌شده‌ی تشدید را داشته باشد؛
- (۷) نتیجه مورد نظر باید بهترین باشد (ناگال^۲، ۲۰۱۷: ۹-۴).

1. Foreman

2. Nagal

روند به‌کارگیری این استراتژی میان دو بازیگر را می‌توان به‌صورت شکل (۲) نشان داد.



شکل شماره ۲. فرایند به‌کارگیری استراتژی لبه پرتگاه (یافته‌های نگارندگان)

در توضیح شکل (۲) باید اذعان داشت یکی از دو کشور «الف» و «ب» در مقابل دیگری یا هر دو در برابر هم اقدام به انجام کنش‌های تهاجمی (۱) در برابر رقیب می‌کنند. این کنش‌ها تا محدوده‌ی آستانه‌ی فاجعه پیش می‌رود و هدف آن نیز ایجاد ترس و وادار کردن رقیب برای عقب‌نشینی (۲) از فضای تخاصم و احیاناً ایجاد تعامل و همراهی با خواسته‌های کشور مهاجم است؛ اما اگر این عقب‌نشینی صورت نگیرد (۳) و به‌اصطلاح کنش‌های تهاجمی از کنترل خارج شود احتمال وقوع فاجعه بسیار بالا می‌رود؛ مگر آنکه کشور طراح این استراتژی از ادامه‌ی استراتژی خود صرف‌نظر نماید.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است. از منظر رویکرد، کیفی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای می‌باشد که شامل جمع‌آوری، دسته‌بندی، پالایش، فیش‌برداری و در نهایت اطلاعات مورد استفاده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آنچه تقابل را می‌سازد: تضاد استثناگرایی‌ها

واشنگتن بعد از جنگ جهانی دوم، همواره دو سیاست مستقل و درعین‌حال درهم‌آمیخته‌ی استثناگرایی و مهار را در سیاست خارجی خود به کار گرفته است. استثنایی‌گرایی آنها ریشه

در غرور این کشور به‌عنوان قدرتمندترین بازیگر نظامی و اقتصادی دارد (سراج و بکر^۱، ۲۰۲۲: ۱۰۵). این اصطلاح را نخستین بار «الکسی دو توکویل»^۲ در خصوص آمریکا به کار برد و از آن زمان به مهم‌ترین بنیان معرفتی نظام هویتی ایالات متحده تبدیل شده است (رضاخواه و آقاحسینی، ۱۳۹۷: ۷۹). این اظهارنظر «باراک اوباما» هنگام سخنرانی برای دریافت جایزه نوبل در سال ۲۰۰۹ که: «ایالات متحده آمریکا برای بیش از شش دهه با خون شهروندان و قدرت تسلیحاتی خود به تأمین امنیت جهانی کمک کرده است»، نشان‌دهنده‌ی تأثیر شدید استثناگرایی بر شیوه‌ی عمل سیاست خارجی آمریکا است (سونگ^۳، ۲۰۱۵: ۲۴۰). به واقع استثناگرایی آمریکایی تداعی‌کننده‌ی این تصور است که آمریکا سرزمینی موعود می‌باشد؛ دنیای جدیدی که بر اساس مشیت الهی توسط مردم برگزیده‌ای که برای هدایت جهان به‌سوی بهتر شدن مقدر شده‌اند، تعیین شده است (رستاد^۴، ۲۰۱۵: ۲۷). به این ترتیب، درحالی‌که استثناگرایان آمریکایی، این کشور را حافظ نظم جهانی لیبرال می‌دانند، در سمت مقابل، استثناگرایی ایرانی نیز ج.ا.ایران را در تقابل با این نظم جهانی تعریف می‌کند. از این منظر، ج.ا.ایران به دلیل آنکه تنها کشور واقعاً مستقل و عاری از هرگونه نفوذ خارجی است، استثنایی تلقی می‌شود و این استقلال بسیار ارزشمند است؛ زیرا ج.ا.ایران را قادر می‌سازد تا هویت استثنایی خود را حفظ کند (مشیرزاده و نظیف‌پور^۵، ۲۰۲۰: ۳۴۵).

می‌توان گفت درحالی‌که استثناگرایی آمریکایی به این کشور مأموریت یا وظیفه منحصربه‌فردی برای تغییر جهان القاء می‌کند (کوئن^۶، ۲۰۱۹: ۱۱)، به همین منوال برجسته‌ترین آرمان سیاست خارجی ج.ا.ایران به‌عنوان نمود استثناگرایی ج.ا.ایران، مبارزه با نظام سلطه‌ی جهانی مدنظر آمریکا است. رهبران ج.ا.ایران بر پایه‌ی انقلاب اسلامی، اولویت تفسیر صرفاً آمریکایی در خصوص نظم جهانی را فروکاستن قرائت‌ها به یک معنا قلمداد

1. Siraj and Bakare
2. Alexis De Tocqueville
3. Song
4. Restad
5. Moshirzadeh and Nazifpour
6. Koenen

کرده و این نگرش را متأثر از هنجارهای نظام سلطه‌ای می‌دانند که خود را محق و نسبت به هنجارهای دیگر برتر تصور می‌نماید (رضائی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰).

می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نه تنها ایران را از ستون سیاست ایالات متحده و آنچه رئیس‌جمهور وقت جیمی کارتر^۱ آن را «جزیره ثبات در یکی از آشفته‌ترین مناطق جهان» می‌نامید، خارج کرد (مالونی^۲، ۲۰۰۱: ۱)؛ بلکه ج.ا.ایران را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در راه برقراری نظم آمریکایی تبدیل کرد. از این نظر طبیعی بود که در همان ابتدای امر، استثناگرایی سلطه و استعمارگرایی آمریکای در مقابل استثناگرایی ضد سلطه و ضد استعمارگرایی ج.ا.ایرانی قرار گیرد.

این بحث را می‌توان به نوعی تضاد نقش‌های دو کشور ج.ا.ایران و آمریکا تصور کرد. به این معنا که «نقش ملی» در ج.ا.ایران پس از مقطع انقلاب تحت عنوان دولت مستقل و فعال در تضاد با نقش‌های آمریکا قرار گرفته است و این اختلاف منجر به پیامدهایی شده که وضعیت امروز بین ایالات متحده و ج.ا.ایران را به وجود آورد. به عبارتی، ذیل نقش برآمده از استثناگرایی، از دید آمریکایی‌ها کشور ایران برخلاف دیگر کشورهای چالش‌برانگیز نیز دارای اهداف منطقه‌ای و جهانی بوده، ذخایر فراوان انرژی دارد و مهم‌تر از همه دارای ایدئولوژی است که جاذبه‌های فراوانی دارد. همه‌ی این موارد می‌تواند برای اقتدار این کشور و استثناگرایی آن تهدیدی اساسی به وجود آورد. به همین خاطر، طی چهار دهه‌ی گذشته با تقابل به دنبال کردن تضعیف آن بوده‌اند (بنیانیان، ۱۳۹۸: ۲۰).

۲-۴. عناصر همیشگی استراتژی لبه پر نگاه آمریکا

۲-۴-۱. نگذار راه برود: فلج‌سازی اقتصادی ذیل تحریم

«وودرو ویلسون»^۳، رئیس‌جمهور آمریکا زمانی تحریم‌های اقتصادی را راه‌حلی صلح‌آمیز، خاموش و کشنده توصیف کرد (رودریگز^۴، ۲۰۱۶: ۱۶). از همین باب، این نوع تحریم‌ها طی

-
1. James Earl Carter
 2. Maloney
 3. Woodrow Wilson
 4. Rodríguez

چند دهه‌ی گذشته به ابزاری پر قدرت و پر کاربرد در سیاست خارجی تبدیل شده‌اند. این ابزار در استراتژی‌های آمریکا فارغ از اینکه چه دولتی در قدرت باشد، نسبت به ج.ا.ایران همواره مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. به‌واقع آشکارترین، پایدارترین و اصلی‌ترین عنصری که آمریکا ذیل استراتژی لبه‌ی پرتگاه از همان ابتدای انقلاب علیه‌ی ج.ا.ایران به کار گرفت، تحریم اقتصادی بوده است.

تا قبل از چالش هسته‌ای بین ج.ا.ایران و غرب، تحریم‌ها علیه ایران عمدتاً از سوی آمریکا صورت می‌گرفت؛ اما پس از این مقطع و به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر اصلی تحریم در کنار ایالات متحده قرار گرفت. از آن زمان به‌طور تدریجی دامنه‌ی تحریم‌های خود را گسترش داد به‌نحوی که از سال ۲۰۱۰ به بعد به سمت‌وسوی تحریم‌های مستقل از آمریکا پیش رفت (بازوبندی^۱، ۲۰۱۵: ۵۷). در این میان شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها در دوره‌ی «دونالد ترامپ» علیه ج.ا.ایران اتخاذ شد که می‌توان گفت هدف او از این استراتژی گسترش و تعمیق بحران با تکیه بر ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت بود. اگرچه بیشترین تمرکز بر اعمال تحریم بر اساس این هدف در دوره‌ی ترامپ صورت گرفت، اما این هدف نیز اساس تحریم‌ها در اغلب دوره‌های سیاست خارجی آمریکا بوده است.

از نظر استراتژیست‌های آمریکا، اعتقاد درونی مردم به نظام سیاسی ج.ا.ایران به‌عنوان اولین و بنیادی‌ترین منفعت عینی و استراتژیک ایران را می‌توان از طریق تحریم‌ها به چالش کشید. لذا اساسی‌ترین کارویژه‌ی تحریم‌ها، فلج کردن جامعه‌ی داخلی ج.ا.ایران است (اخباری و غلامی، ۱۳۹۵: ۶۴). رابطه‌ی بین هدف تحریم و لبه‌ی پرتگاه به معنی بردن ج.ا.ایران در آستانه‌ی فاجعه برای تغییر اهداف و اقداماتش را می‌توان در این تعریف تحریم دانست که: «تحریم دستکاری روابط اقتصادی با هدف مجبور کردن یک جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود است» (بیات، ۱۳۹۵: ۴۴). به‌زعم آمریکا، با تحریم‌های فلج‌کننده نیز ج.ا.ایران با کسری جبران‌ناپذیر درآمدها مواجه خواهد شد. به‌دنبال این امر، نارضایتی‌های عمومی و بحران‌های اجتماعی زمینه‌ی فشار از داخل را به ج.ا.ایران برای پذیرش درخواست‌های آمریکا، فراهم خواهد کرد (مخلص‌الانمه، ۱۳۹۳: ۸۳).

۲-۲-۴. برخیز و بکش: ترور ذیل اقدام نظامی

توجه به رویکرد نظامی در درجات مختلف از تاکتیک‌های ثابت استراتژی لبه‌ی پرتگاه آمریکا علیه ج.ا.ایران بوده است. اولین اقدام از این دست حضور نظامی در صحرای طبس با هدف انجام عملیات برای رهاسازی گروگان‌های آمریکا در جریان تسخیر سفارت این کشور بود. در این خصوص «برژینسکی» چنین می‌گوید:

«طرح عملیات نجات را من آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می‌کردم و به مؤثر بودن عملیات نظامی، نظیر محاصره دریایی ج.ا.ایران، تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف‌هایی در داخل خاک ج.ا.ایران، بیشتر اعتقاد داشتم» (ونس و برژینسکی، ۱۳۶۲: ۱۸۸).

کودتای نوژه و برنامه‌ریزی اجرایی برای تشویق عراق به حمله نظامی از جمله تهدیدات شدید و سخت دیگر در ابتدای پیروزی انقلاب علیه ج.ا.ایران از سوی آمریکا بود. در جریان جنگ ایران و عراق نیز حملات آمریکا به سکوهای نفتی رشادت، نصر و سلمان نمود دیگر اقدام نظامی این کشور علیه ج.ا.ایران بود؛ اما برجسته‌ترین تهاجم نظامی و ترور از سوی آمریکا، حمله ناو وینسس به پرواز ۶۵۵ ایران‌ایر بود که باعث کشته ۲۹۱ سرنشین آن شد. در دوران معاصرتر به‌ویژه با بروز چالش هسته‌ای ج.ا.ایران، بهره‌گیری مکرر از اصطلاح «همه‌ی گزینه‌ها روی میز» است، نماد دیگری از تأکید رهبران این کشور به استفاده از اقدام نظامی علیه ج.ا.ایران بود.

در ادامه‌ی این روند می‌توان به همراهی آمریکا با رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته‌ای ج.ا.ایران اشاره کرد. آمریکا برای متوقف نمودن برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران به چند اقدام متوسل شد که بهره‌گیری از تروریسم سایبر و کشتن هدفمند دانشمندان ایرانی از جمله این اقدامات بود. در این خصوص «پاتریک کلاسون» دبیر ابتکار امنیتی ج.ا.ایران در بنیاد واشنگتن ترور دانشمندان هسته‌ای ج.ا.ایران را یکی از راه‌ها مقابله با ج.ا.ایران دانسته و می‌گوید: «ترور راهی است که در پیش‌رو قرار دارد» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰).

از دیگر موارد که می‌توان آن را مهم‌ترین، شدیدترین، بالاترین سطح تخاصم و نقطه‌ی آغاز تحول روابط میان آمریکا و ج.ا.ایران از جنگ سرد به نبرد حداقلی یاد کرد، اقدام به

ترور «سردار قاسم سلیمانی» بود. شهادت‌رساندن هدفمند فرمانده سپاه قدس، رونمایی از ادامه رویکرد تقابلی آمریکا با چهره خشن برای رسیدن به نتایج پیش‌بینی‌شده‌ی خود بود. دولت ترامپ با شهادت‌رساندن ارزشمندترین رهبر نظامی ج.ا.ایران به دنبال تقویت سیاست و کمپین فشار حداکثری علیه ج.ا.ایران بود تا شاید این فشار منجر به یک تحول اساسی و احیاناً سقوط حکومت در ج.ا.ایران شود (احمدی‌نژاد و بصیری، ۱۳۹۹: ۱۹۳). اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی برخلاف پیش‌بینی‌ها، فراتر از آستانه‌ی تحمل ج.ا.ایران بود و همین امر باعث واکنش ج.ا.ایران و انتقام از این کشور در حمله به پایگاه عین‌الأسد شد.

۳-۲-۴. چهره‌اش را نقاشی کن: اجماع‌سازی ذیل امنیتی کردن

مخالفت با آمریکا به‌عنوان امپریالیست نظام جهانی، یکی از مهم‌ترین ستون‌ها و پارادایم تعریف‌کننده‌ی سیاست خارجی ج.ا.ایران بعد از انقلاب بوده است (پوش^۱، ۲۰۱۳: ۱۵-۱۶). علت این امر نوسازی مرزهای دوست و دشمن و تقسیم دنیا به دو بلوک «خیر-شر» و «نور-تاریکی» و قرار گرفتن آمریکا در مرکز بلوک شر و تاریکی بود (مظفری^۲، ۱۹۹۹: ۱۱). این تغییر جهت باعث گردید تا یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از انقلاب اسلامی نسبت به ج.ا.ایران، غیرسازی مبالغه‌آمیز از ایران باشد. مبنای این رویکرد، ادراک تهدید از ج.ا.ایران به‌عنوان کشوری است که هژمونی آمریکا را به چالش می‌کشد. با توجه به اینکه کنش و انتخاب تحت تأثیر ادراک ذهنی قرار دارد (میتزن^۳، ۲۰۰۶: ۳۴۴).

کنش متأثر از ادراک تهدید ج.ا.ایران، باعث گردید تا رهبران آمریکا و نخبگان آن همواره تلاش کنند با امنیتی‌ساختن وجهه‌ی ج.ا.ایران در نظام جهانی، اجماعی تقابلی در مقابل آن به وجود آورند. این رویکرد تنها با تفاوت در اسم، در همه‌ی ادوار سیاست خارجی آمریکا نقشی پررنگ داشته است. سیاست مهار دوگانه و تلقی ج.ا.ایران به‌عنوان یک دولت «یاغی» در دوره‌ی کارتر نیز در راستای همین تهدیدشماری ج.ا.ایران برای ایجاد اجماع علیه آن قابل

1. Posch
2. Mozaffari
3. Mittzen

تحلیل است. در ادامه‌ی این روند «کاندولیزا رایس»^۱ وزیر خارجه «جرج بوش»^۲ برای القای ترس و ایجاد این اجماع در مقاله‌ای چنین نوشت:

«انگیزه ج.ا.ایران صرفاً ایجاد شکاف در نظام دموکراسی نیست، بلکه به دنبال جایگزینی آن با اسلام بنیادگرا است» (طباطبایی و منتظری، ۱۳۹۷: ۹۵).

در نتیجه همین تلقی بود که بوش برای اجماع‌سازی علیه ج.ا.ایران با تمرکز بر مسئله هسته‌ای، آن را در «محور شرارت» قرار داد. برجسته و ثابت بودن این رویکرد در سیاست خارجی آمریکا به اندازه‌ای است که حتی در دوره‌ی باراک اوباما علی‌رغم سیاست تغییر و تعامل او نیز ردپای آن به چشم می‌آید. به این معنا از دید اوباما خطر ج.ا.ایران بسیار جدی بود و لذا او ضمن اعمال شدیدترین تحریم‌ها با حمایت جهانی، سیاست دوسویه‌ای که ترکیب استراتژی دولت کلینتون و بوش (تغییر رفتار و تغییر رژیم) بود را علیه ج.ا.ایران در پیش گرفت (عابدینی، مسعودنیا و گودرزی، ۱۴۰۱: ۱۹). در دوره‌ی دونالد ترامپ مجدداً بازسازی تصویر اهریمنی و به بیان دولت او، دیوسازی ج.ا.ایران در صدر اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. با توجه به این موارد باید گفت سیاست خارجی آمریکا در طول چهل سال قبل با بزرگ‌نمایی تهدید ج.ا.ایران از طریق برجسب‌زنی و الصاق مفاهیمی مانند بازیگر نظم‌گریز، دولت سرکش، تهدید هسته‌ای و... به دنبال مشروعیت‌زدایی، تثبیت تهدیدسازی و اجماع بین‌المللی با هدف در پیش گرفتن اقدامات تهاجمی‌تر بوده است؛ تا با این شیوه بتواند ج.ا.ایران را به عقب‌گرد خودخواسته، تعامل یا حداقل عدم مخالفت با خواسته‌های آمریکا وادار نماید.

۴-۲-۴. بازی ج.ا.ایران در میدان تقابل: صبر استراتژیک

«فرهنگ» به وضوح منبع تفاوت میان ملت‌ها است (ریوز^۳، ۲۰۰۴: ۱۱۱). به همین دلیل برخی معتقد هستند تحلیل رویکرد دولت‌ها باید با فرهنگ آغاز شود. از همین رو، تحلیل فرهنگی در رفتار دولت‌ها و سیاست بین‌الملل در دوران بعد از جنگ سرد در مدار روابط بین‌الملل

1. Condoleezza Rice
2. George Bush
3. Reeves

مورد توجه قرار گرفت (لانتس^۱، ۲۰۰۲: ۸۷). استدلال اندیشمندان حوزه‌ی فرهنگ به‌طور صریح یا ضمنی آن است که دولت‌های مختلف اولویت‌های استراتژیک متفاوتی دارند که ریشه در تجربیات تاریخی آنها دارد (جانستون^۲، ۱۹۹۵: ۳۴). مبتنی بر همین منحصربه‌فرد بودن تجربیات تاریخی و رفتار، «فرهنگ استراتژیک» نخستین بار توسط «جک اسنایدر»^۳ در سال ۱۹۷۷ در مقاله‌ی «فرهنگ استراتژیک شوروی» مطرح گردید (اوز زمان^۴، ۲۰۰۲: ۷۵).

در یک تعریف از «گالین گری»^۵ او فرهنگ استراتژیک را اشکال پندار و کردار مرتبط با قدرت می‌داند که ضمن داشتن ریشه در تجربه‌ی تاریخ یک ملت، الهام‌بخش تعریف از خود برای آن کشور است (گری^۵، ۱۹۸۱: ۳۴). به‌این ترتیب، این فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، هنجارها، ارزش‌ها و تجربیات تاریخی نخبگان حاکم است که بر درک و تفسیر آنها از مسائل و محیط امنیتی تأثیر می‌گذارد. به عبارتی از مجرای فرهنگ استراتژیک به‌عنوان یک چارچوب ادراکی، سیاست‌گذاران در مورد گزینه‌های سیاسی در یک موقعیت مشخص تصمیم می‌گیرند (عسکری رضوی^۶، ۲۰۰۲: ۳۰۵). صبر راهبردی جنبه‌ای از فرهنگ استراتژیک ج.ا.ایران است که توسل به‌زور را مردود شمرده و به دنبال بازدارندگی در برابر تهدیدات است. به عبارتی ذیل این استراتژی، ج.ا.ایران در زمان، مکان و تحت شرایطی که خود تعیین می‌کند به دشمن پاسخ می‌دهد (غلام‌پور، زارعی و حقیقی، ۱۴۰۰: ۶۳).

بر مبنای تجربه‌ی زیست سیاسی یعنی عنصر تأثیرگذار بر شکل‌گیری فرهنگ استراتژیک، انسان ایرانی از دل عناصر متعددی مانند بی‌اعتمادی به بیگانگان، مورد تهاجم قرار گرفتن، قربانی شدن و مؤلفه‌های بسیاری دیگر از این دست به‌سوی نوعی فرهنگ استراتژیک ناظر بر قدرتمند بودن سوق داده شده است. اما از طرف دیگر همواره با این دغدغه روبرو بوده که قوی بودن در مقابل ابعاد غیرمادی قدرت مانند جوانمردی و پهلوانی قرار نگرفته یا دیگران،

-
1. Lantis
 2. Johnston
 3. Jack Snyder
 4. Uz Zaman
 5. Gray
 6. Askari Rizvi

این گونه تعبیرش نکنند. همین نگاه دوجبهی به قدرت زمینه‌ی کنش ج.ا.ایران بر اساس منطق تناسب را به وجود آورده است (قنادی، نیاکویی و سمبر، ۱۴۰۱: ۲۸).

بهترین استراتژی برای اجرای این منطق نیز در موارد بسیاری «صبر استراتژیک» بوده است که با توجه به همین منطق پایه، آن را نه بی‌عملی، بلکه خودداری از پاسخ عجولانه برای واکنش و عمل در زمان مناسب نامیده‌اند تا بهترین نتایج با کمترین هزینه‌ها حاصل شود. عده‌ای این استراتژی ج.ا.ایران را با صبر آنها در قالی‌بافی تشبیه می‌کنند. این گروه معتقد هستند ایرانیان همان‌طور که با صبر و استقامت قالی می‌بافند و در انتها محصولی زیبا خلق می‌کنند، در حوزه‌های استراتژیک نیز با شکیبایی نتیجه‌ای مطلوب را رقم می‌زنند (موسوی، ۱۴۰۱: ۴۸).

تجویزهای شریعت اسلامی و هویت ایرانی به‌مثابه بال‌های صبر استراتژیک ج.ا.ایران هستند. به‌عنوان مثال خداوند در قرآن بارها با آیاتی مانند «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»^۱، «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»^۲ صبر در برابر دشمنان را راهی برای پیروزی ترسیم کرده است. به همین منوال تاریخ، ادبیات، اسطوره‌ها و داستان‌های هویت‌دهنده‌ی ایرانیان نیز مملو از دعوت به صبر است که ماحصل همه‌ی آنان را می‌توان در این بیت «صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت... میوه شیرین دهد پرمفعت»^۳ خلاصه کرد.

حاصل این نوع نگاه را می‌توان در تعریف آیت‌الله خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} رهبر معظم انقلاب اسلامی از صبر راهبردی به‌عنوان استراتژی ج.ا.ایران خلاصه کرد که می‌فرماید:

«صبر به معنای دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم» (خامنه‌ای^{مدظله‌العالی}، ۱۳۹۹).

۱. سوره مبارکه غافر، آیه ۵۵.

۲. سوره مبارکه المدثر، آیه ۷.

۳. مولانا.

۳-۴. نتایج صبر استراتژیک ج.ا.ایران

صبر استراتژیک ج.ا.ایران حاکی از آن است اتکاء ایالات متحده به استراتژی لبه‌ی پرتگاه نه تنها قدیمی شده است، بلکه انتظارات آمریکا را نیز برآورده نکرد. اتفاقاً چینش صفحه شطرنج بین این کشور و ج.ا.ایران نشانگر پیروزی‌های ج.ا.ایران در مقابل آن بوده است. لذا نتیجه‌ی کلی پیروی آمریکا از استراتژی لبه‌ی پرتگاه در مقابل صبر استراتژیک ج.ا.ایران را باید محدود شدن دامنه‌ی نفوذ آن در مقابل ج.ا.ایران دانست. با این وجود برخی دیگر از نتایج فرعی این استراتژی ج.ا.ایران را می‌توان چنین عنوان کرد:

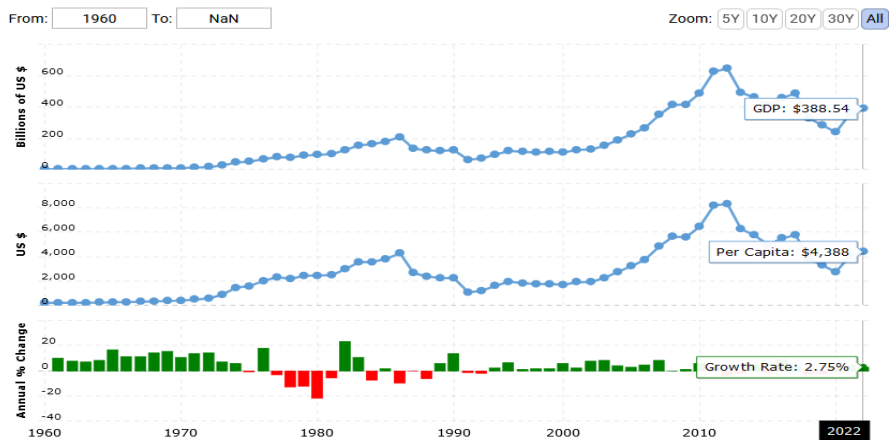
۳-۴-۱. ما می‌توانیم؛ قدرت‌سازی ج.ا.ایران با اتکا به داخل

طی چهار دهه، ج.ا.ایران تحت تحریم‌های مختلف ایالات متحده بوده است که شدیدترین این تحریم‌ها در دو دوره اوپاما و ترامپ اعمال شد. هدف آمریکا از اعمال تحریم، کشاندن ج.ا.ایران به سمت سقوط اقتصادی و به دنبال آن کاهش تاب‌آوری جامعه و در نهایت عقب‌نشینی ج.ا.ایران از اهداف خود بوده است. در اوج تحریم‌ها که به اصطلاح آن را «فشار حداکثری» نامیدند؛ اقتصاد ج.ا.ایران اگرچه با مشکل روبرو شد، اما سقوط نکرد. علت این امر را باید در درک نادرست از اقتصاد و نیز تجربه‌ی ج.ا.ایران در برابر تحریم‌ها دانست. به عبارتی، تجربه‌ی چهل سال تحریم باعث شده تا ج.ا.ایران راه مقاومت در برابر تأثیرگذاری آن را بیاموزد.

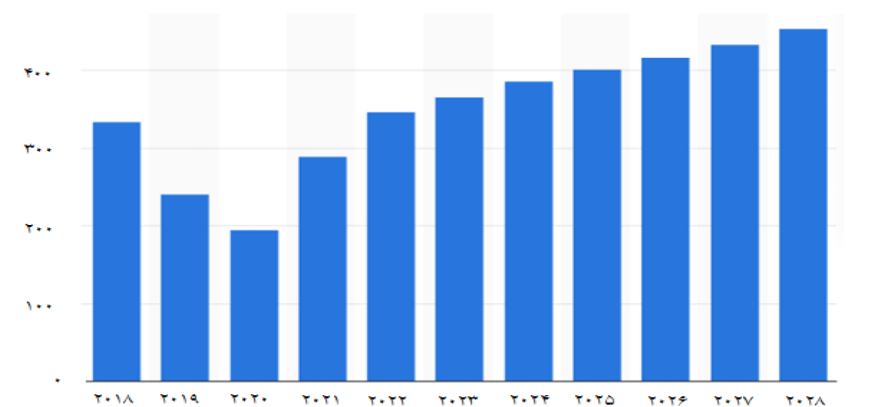
استراتژی‌هایی مانند «اقتصاد مقاومتی»، «جهش تولید»، «مدیریت جهادی»، «حمایت از کار و سرمایه ایرانی» همگی سیاست‌هایی بر پایه‌ی همین آموخته‌ها برای مقابله با تحریم‌ها بوده است. اگرچه واقعیت آن است که اقتصاد ج.ا.ایران نه آن قدر ضعیف است که با تحریم‌ها دچار فروپاشی شود و نه آن قدر قوی است که از این ناحیه آسیب نبیند؛ اما در بلندمدت تا حدودی باعث استقلال صنعتی ج.ا.ایران، یعنی دستیابی به صدور خدمات و کالاهای صنعتی به جای صادرات نفت و گاز شده است. از مهم‌ترین این کالاها می‌توان به مصالح ساختمانی، فولاد، آلومینیوم، مبلمان، ماشین‌های سنگین و نیمه‌سنگین اشاره کرد.

علاوه بر مباحث مطروحه، با افزایش قیمت دلار در نتیجه تحریم، میان مردم نیز ترجیح خرید کالای داخلی [به شرط کیفیت و قیمت مناسب‌تر] باعث کاهش واردات و رونق تولید

داخلی می‌شود که نمود آن در دستیابی ج.ا.ایران به اغلب قطعات و تجهیزات تحریمی کاملاً مشهود است (فقه‌مجیدی و زرونی^۱، ۲۰۲۰: ۶۲). به این ترتیب، ج.ا.ایران با وجود همه‌ی اثرات تحریم بر بیکاری، تورم و مشکلات معیشتی، این پدیده را تا حد امکان به فرصت تبدیل کرده که در این راستا نمودارهای (۱) و (۲) حاکی از واقعیت حیات اقتصاد ج.ا.ایران در مقابل شدیدترین تحریم‌ها طی این چهل سال بوده است.



نمودار شماره ۱. رشد اقتصادی ج.ا.ایران از ۲۰۲۲ تا ۱۹۶۰ (روندهای کلان، ۲۰۲۳)



نمودار شماره ۲. تولید ناخالص داخلی ج.ا.ایران (به میلیارد دلار آمریکا) از ۲۰۲۸ تا ۲۰۱۸ (استاتیستا، ۲۰۲۳)

1. Majidi and Zarouni
2. Macrotrends
3. Statista

نمودارهای بالا نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ج.ا.ایران در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل ۲.۷۵ درصد افزایش داشته است. همچنین پیش‌بینی شده که بین این سال تا سال ۲۰۲۸ این رشد به‌طور مدام ادامه داشته باشد.

۲-۳-۴. زیر میز زده‌ایم؛ ناکارآمدی گزینه‌ی نظامی آمریکا

هرگونه اقدام نظامی آمریکا علیه ج.ا.ایران حتی در سطح بسیار محدود، می‌تواند آغاز یک «جنگ تمام‌عیار» باشد. در واقع این اقدام علاوه بر آنکه یک رابطه‌ی بسیار ناپایدار و قابل اشتعال با یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشورهای منطقه ایجاد خواهد کرد. همچنین بی‌شک پیامدهای مهم و بلندمدت منطقه‌ای و جهانی در پی خواهد داشت. بنابراین، هزینه‌های بسیار سنگین و حتی فرسایشی شدن عملیات نظامی به دلیل عدم اطمینان در مورد واکنش‌های ج.ا.ایران و دیگر کشورها، هرگونه اقدام نظامی آمریکا را به موضع‌گیری لفظی و به اصطلاح «بلوف نظامی» محدود کرده است. از طرف دیگر قدرت بازدارندگی ج.ا.ایران و عدم اطمینان آمریکا نسبت به توانمندی‌های نظامی آن زمینه‌ی ریسک اقدام نظامی برای آمریکا را بسیار بالا برده است. به‌واقع ج.ا.ایران با تکیه بر توان داخلی مجهز به جدیدترین و مجهزترین تجهیزات نظامی روز دنیا شده است و از سویی با تمرکز بر جنگ نامتقارن بسیاری از کاستی‌های خود را جبران کرده است. در حال حاضر نیروی دریایی سپاه تاکتیک‌هایی برای کنترل تقابل‌های نظامی آمریکا ابداع کرده که به مانند تاکتیک‌ها در تنگه هرمز قادر خواهد بود بسیاری از دارایی‌های آمریکا را از طریق قایق‌های تندرو کوچک نابود کند. علاوه بر این ج.ا.ایران با استفاده از تسلیحات ج.ا.ایرانی از طریق هم‌پیمانان خود قلمروی نفوذ خود را به کنترل گرفته است (آسیابان و غفاری‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۳).

قدرت موشکی، استفاده از نیروهای نیابتی و گروه‌های مقاومت شیعی، بهره‌برداری از استراتژی جنگ‌های نامتقارن، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ج.ا.ایران، قدرت معنوی و روحیه دشمن‌ستیزی و در نهایت دیپلماسی دوستی با کشورهای منطقه، از عواملی هستند که امکان به‌کارگیری استراتژی تقابل مستقیم نظامی آمریکا در مقابل ج.ا.ایران را با شکست مواجه کرده است (غفاری، خداوری و کشیشیان، ۱۴۰۰: ۴۰). این شکست باعث شده تا

رهبران آمریکا با وجود همه‌ی لفاظی‌ها همواره بر دیپلماسی به‌عنوان جذاب‌ترین گزینه و زور به‌عنوان آخرین راه چاره در برابر ج.ا.ایران تأکید کنند.

۳-۳-۴. قوی‌تر از همیشه؛ افزایش نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران

اگر محاسبه‌ی نتیجه‌ی استراتژی لبه پرتگاه و آن چیزی که باید برای آمریکا به همراه می‌داشت را احتمال (۱) عقب‌نشینی ج.ا.ایران؛ (۲) مشروعیت‌زدایی داخلی؛ (۳) تعامل و سازش با آمریکا و (۴) سقوط بدانیم، آنچه که هویدا است، اینکه هیچ‌کدام از این موارد نه‌تنها به ثمر ننشست بلکه در مقابل استراتژی آمریکا، اغلب تحلیل‌گران به افزایش قدرت و حوزه‌ی نفوذ ج.ا.ایران نیز معترف هستند. خروج عراق از حالت بازیگر تهدیدگر در نتیجه‌ی حمله آمریکا و وقوع انقلاب‌های عربی دو تحول مهمی بود که ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار داد و در این شرایط ج.ا.ایران از سه تاکتیک نفوذ غیرمستقیم (بهره‌گیری از متحدان خود مانند سوریه، حماس، حشدالشعبی)، تاکتیک عملیات نظامی مستقیم (سوریه) و تاکتیک حمایت مالی از جناح‌های موافق در کشورهای منطقه در برابر تلاش رقبا برای کاهش نفوذ ج.ا.ایران استفاده کرد. این سیاست‌ها باعث افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران شد به‌گونه‌ای که به اعتقاد برخی ج.ا.ایران از افغانستان تا آسیای میانه، خلیج فارس و عراق اثبات کرد که توانایی نفوذ حتی در مناطق دورتر از حوزه‌ی جغرافیایی خود را دارد (شکوری و وزیربان، ۱۳۹۸: ۱۰-۹).

در سال‌های اخیر قرار گرفتن روسیه در کنار ج.ا.ایران و محور مقاومت و همراهی چین با این ائتلاف نمود دیگری از تقویت جایگاه ج.ا.ایران در توازن منطقه‌ای بوده است (نجفی و خسروی، ۱۳۹۸: ۴۷). خلاصه‌ی پیروزی ج.ا.ایران در تقابل با استراتژی آمریکا را می‌توان ذیل این استعاره‌ی زیبا آورد:

«ج.ا.ایران بازیگری تهاجمی نیست، بلکه بازیگری است که از شرایط کشورهای مورد حمله شده استفاده می‌کند. نفوذ ج.ا.ایران در کشورهای عراق، یمن، سوریه و لبنان شاهدهی

بر این استدلال است. این نفوذ به اندازه‌ای است که رسانه‌های معارض به کنایه پایتخت‌های این کشورها را چهار پایتخت عربی تهران معرفی می‌کنند» (گاردونو گارسیا، ۲۰۲۲: ۵۳) مسائل مزبور باعث شده است ج.ا.ایران پس از چهار دهه تقابل، به اعتقاد حتی بسیاری از دشمنان، به بازیگر اصلی در سیستم دگرگون‌شونده‌ی خاورمیانه تبدیل شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از برجسته‌ترین مسائل روابط بین‌الملل طی چند دهه اخیر، تقابل میان آمریکا و ج.ا.ایران بوده است. این تقابل که با وقوع انقلاب در ایران آغاز شد، به دلایل متعددی از جمله تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیک-ارزشی، نگرش به جهان در طول چهل سال پس از انقلاب شدیدتر و خصمانه‌تر گردیده است. به‌واقع ایالات متحده به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی همواره در تلاش برای حفظ نفوذ و هژمونی خود در جهان بوده و در سمت مقابل، ج.ا.ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، بازیگری چالشگر در مقابل این هدف آمریکا بوده است. لذا رهبران آمریکا در چهار دهه‌ی گذشته استراتژی‌هایی برای مهار، کنترل و کاهش نفوذ ج.ا.ایران دنبال کردند. به‌زعم این پژوهش، با وجود در تفاوت اسامی استراتژی‌ها، بن‌مایه‌ی همه‌ی آنها به یک استراتژی اصلی و پایه تحت عنوان استراتژی لبه‌ی پرتگاه ختم می‌شود. در این استراتژی آمریکا با ایجاد تاکتیک‌هایی سعی در حمله و هجوم به ج.ا.ایران در ابعاد مختلف تا آستانه‌ی تحمل و فاجعه داشته تا بدین صورت ج.ا.ایران را وادار به عقب‌نشینی از مواضع و یا تعامل و سازش نماید. از جمله تاکتیک‌های همیشگی این استراتژی تحریم اقتصادی برای جلوگیری از توسعه و فشار بر مردم، حملات نظامی و ترور و درنهایت اجماع‌سازی با هدف امنیتی کردن چهره‌ی ج.ا.ایران بوده است. در مقابل ج.ا.ایران با اتکا به صبر راهبردی نه‌تنها در مقابل تاکتیک‌های آمریکا متوقف نشده بلکه به توان داخلی در دستیابی به تجهیزات روز دنیا و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی خود، افزایش نفوذ منطقه‌ای و ایجاد بازدارندگی معتبر در برابر ایالات متحده دست‌یافته است. در کنار توجه و ادامه‌ی این استراتژی، روش‌های متفاوتی برای ایجاد افزایش نفوذ و قدرت در برابر استراتژی تقابلی آمریکا وجود دارد که این پژوهش برخی از مهم‌ترین آنها را به‌عنوان پیشنهادی کاربردی به شرح زیر ارائه می‌کند:

۱. استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای انتشار دیدگاه‌ها و نظرات ج.ا.ایران به جامعه جهانی و ارائه تصویر واقعی ج.ا.ایران به افکار عمومی دنیا؛
۲. تقویت روابط منطقه‌ای از طریق ایجاد اتحادها و ائتلاف‌ها با کشورهای منطقه به‌خصوص در سطح اقتصادی، تجاری و مبادلات فرهنگی به‌ویژه کشورهایی که تنش کمتری با ج.ا.ایران دارند؛ از جمله ارمنستان در قفقاز جنوبی، عمان و قطر حتی در مواردی تعدیل ایدئولوژی در روابط با کشوری مانند عربستان؛
۳. تقویت اقتصاد داخلی و افزایش تولید داخلی با کیفیت و قیمت مناسب با هدف حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان که در نهایت منجر به کاهش وابستگی به واردات خواهد شد. ایجاد رقابت داخلی بین تولیدکنندگان، برداشتن انحصار تولید برخی کالاها و کمک گرفتن از تولیدکنندگان کشورهایی همانند چین در مونتاژ برخی کالاها می‌تواند راهکار دستیابی به این اهداف باشد؛
۴. آمادگی برای هر نوع سناریوی احتمالی آمریکا از طریق تمرکز علمی و آکادمیک بر این حوزه به موازات افزایش هوش ملی برای آمادگی به هر گونه پاسخ ج.ا.ایران به سناریوهای احتمالی آمریکا؛
۵. دیپلماسی فعال و هوشمند که به کمک آن می‌توان آماج حملات و تقابلهای آمریکا را تا حد بالایی محدود کرد. از جمله موارد تسریع این دیپلماسی استفاده از نمایندگان متخصص و قوی در مجامع بین‌المللی است.

منابع

الف - فارسی

- احمدی‌نژاد، حمید؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۹). «فرآیند سیاست خارجی سه‌وجهی مبتنی بر خصم‌بودگی دونالد ترامپ در قبال ج.ا.ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳ (۴۹)، ۱۷۹-۲۱۱.
- اخباری، محمد؛ غلامی، مجید (۱۳۹۵). «تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا و وزن ژئوپلیتیک ایران؛ با تأکید بر قدرت مردمی ج.ا.ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۸ (۳۱)، ۶۹-۴۹.
- اسدیان، رضا (۱۴۰۲). «آیا استراتژی حرکت بر لبه‌ی پرتگاه در حال به ثمر نشستن برای ج.ا.ایران است؟»، در: *جدال*. قابل دسترسی در: <https://jedaal.tv/a/8140>. (بازیابی ۱۰ آبان ۱۴۰۲).
- آسیابان، امید؛ غفاری‌زاده، مهرشاد (۱۴۰۱). «منطقه خاکستری ج.ا.ایران و چالش‌های بازدارندگی ایالات متحده آمریکا»، *مجله سیاست دفاعی*، ۳۱ (۱۲۱)، ۲۶-۱۱.
- بنیانیان، مسعود (۱۳۹۸). «از اصول جهانی تا برتری نژادی نقش ملی‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۲ (۲)، ۲۲-۱.
- بیات، محسن (۱۳۹۵). «جهانی‌شدن اقتصادی و نقش تهدید نظامی در استراتژی آمریکا برای کارآمدی تحریم ج.ا.ایران»، *فصلنامه سیاست*، ۴۶ (۱)، ۶۵-۴۳.
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (فروردین ۱۳۹۹). «سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ج.ا.ایران»، در: *دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*. قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4522>. (بازیابی ۱۰ آبان ۱۴۰۲).
- دهشیار، حسین (۱۳۹۹). «ج.ا.ایران و آمریکا: عبور از رودخانه رویکن»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۹ (۱)، ۲۲-۷.
- رضاخواه، علیرضا؛ آقاحسینی، علیرضا (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی قدرت نرم ایالات متحده با تأکید بر مؤلفه استثناگرایی آمریکایی»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۸ (۱۹)، ۹۷-۶۹.
- رضائی‌جعفری، محسن؛ و همکاران (۱۳۹۷). «تحلیل تقابل آمریکا با انقلاب اسلامی در عصر جهانی‌شدن از منظر هرمنوتیک روشی»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۷ (۲۵)، ۷۳-۹۶.
- شکوری، ابوالفضل؛ وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸). «احیای قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱ (۳۸)، ۳۰-۱.

- شهبازی، محبوب؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۴۰۰). «تلاش برای شناسایی: تفسیری بازنمایانه از روابط ج.ا.ایران و آمریکا»، *فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۶ (۳)، ۱۴۸-۱۰۹.
- طباطبایی، سید محمد؛ منتظری، حمیدرضا (۱۳۹۷). «مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ج.ا.ایران»، *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۷ (۱)، ۸۵-۱۱۲.
- عابدینی، حسن؛ مسعودنیا، حسین و گودرزی، مهناز (۱۴۰۱). «سیاست خارجی آمریکا در قبال ج.ا.ایران در دوران اوباما و ترامپ (بر اساس تئوری رئالیسم تهاجمی میرشایمر و رئالیسم تدافعی والتز)»، *فصلنامه سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۹ (۳۴)، ۸-۳۲.
- غفاری، علی اصغر؛ خداوری، حسن؛ و کشیشان، گارینه (۱۴۰۰). «نقش ج.ا.ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۷ (۵۶)، ۵۹-۴۰.
- غلام‌پور، مجید؛ زارعی، غفار؛ و حقیقی، علی محمد (۱۴۰۰). «فرهنگ راهبردی ایرانیان و محدودیت‌های دیپلماسی قهری واشنگتن علیه تهران»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳ (۴۸): ۷۰-۵۷.
- قنادی، علی؛ نیاکویی، سید امیر؛ و سیمبر، رضا (۱۴۰۱). «تأثیر فرهنگ استراتژیک بر غیرتسلیحاتی ماندن هسته‌ای برنامه ج.ا.ایران»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۴ (۳)، ۳۶-۱.
- مخلص‌الائم، فرزاد (۱۳۹۳). «جایگاه عملیات روانی در فرآیند تحریم نفتی ج.ا.ایران»، *فصلنامه مطالعات عملیات روانی*، ۱۰ (۳۹)، ۹۲-۵۶.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۴۰۰). «حمایت آمریکا از عملیات‌های تروریستی در ج.ا.ایران»، قابل دسترس در: <https://irdc.ir/fa/news/8198/%D8%AD%D9%85%D8> (بازیابی ۱۰ آبان ۱۴۰۲).
- موسوی، سید محمد (۱۴۰۱). «فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ منابع و تأثیرات»، *فصلنامه فرهنگ دیپلماسی*، ۱ (۳)، ۵۱-۳۳.
- نجفی، سجاد؛ خسروی، علیرضا (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ج.ا.ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۲ (۴۳)، ۵۶-۳۳.
- ونس، سایروس؛ برژینسکی، زبیگنیو (۱۳۶۲). *توطئه در ج.ا.ایران*. ترجمه محمود مشرفی. تهران: نشر هفته.

ب - انگلیسی

- Askari Rizvi, H. (2002). "Pakistan's Strategic Culture", In: *South Asia in 2020: Future Strategic Balances and Alliances* (PP.305-328). Strategic Studies Institute: U.S. Army War College.
- Bazoobandi, S. (2015). "Sanctions Against Iran: Winners and Losers", In: *EU sanctions as security policy tools* (PP.57-65). Paris: European Union Institute for Security Studies.
- Dobson, J. (2009). *Belligerents, Brinkmanship, and the Big Stick*. United States: Publisher ABC-CLIO.
- Duerfeldt, A. (2018). "Gold Star Negotiations: ZOPA", In: *CropWatch*. Available at: <https://cropwatch.unl.edu/2018/gold-star-negotiations-zopa> (Accessed on: 16 November 2023).
- Duncombe, C. (2019). *Representation, recognition and respect in world politics: the case of Iran-US relations*. Manchester: Manchester University Press.
- Evans, G.; Newnham, J. (1998). *The Penguin dictionary of international relations*. New York: Penguin Books.
- Foreman, A. (2017). "A Brief History of Brinkmanship", In: *The Wall Street Journal*. Available at: <https://www.wsj.com/articles/a-brief-history-of-brinkmanship-1503507520> (Accessed on: 16 November 2023).
- Garduño García, M. (2022). "Iran's Influence on Countries in the MENA Region", In: *IEMed Mediterranean Yearbook*. Available at: <https://www.iemed.org/publication/irans-influence-on-countries-in-the-mena-region/> (Access 16 November 2023).
- Gray, C. S. (1999). "Strategic Culture as Context: The First Generation of Theory Strikes Back", *Review of International Studies*. 25 (1), PP. 49-69.
- Johnston, A. (1995). "Thinking about Strategic Culture", *International Security*, 19 (4), PP. 32-64.
- Koenen, J. (2019). *America First: An Exceptionalist Break in the Tradition of Meliorism toward Iran*. BA Thesis, Pre-master Thesis North American Studies: Radboud University.
- Lantis, J. S. (2002). "Strategic Culture and National Security Policy", *International Studies Review*. 4 (3), PP. 87-113.
- Macrotrends (2023). *Iran Economic Growth 1960-2023*. Available at: <https://www.macrotrends.net/countries/IRN/iran/economic-growth-rate> (Accessed on: 16 November 2023).
- Majidi, A.; Zarouni, Z. (2020). "The Impact of Sanctions on the Economy of Iran", *International Journal of Resistive Economics*. 8 (4), pp. 49-65
- Maloney, Suzanne (2001). "America and Iran: From Containment to Coexistence", *Brookings Policy Brief*, (87), PP. 1-7.
- Mittzen, Jennifer (2006). "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", *European Journal of International Relations*, 12 (3), PP. 341-367.

- Moshirzadeh, H.; Nazifpour, A. (2020). "Iranian Exceptionalism and Iran-US Relations: From 1979 to 2021", *Iranian Review of Foreign Affairs*, 11 (2), PP. 333-357.
- Mozaffari, M. (2009). "Iranian Ideological Foreign Policy", In: *Centre for Studies in Islamism and Radicalisation(CIR)*. Available at: http://www.cir.au.dk/fileadmin/site_files/filer_statskundskab/subsites/.../Mozaffari_Papers.pdf (Accessed on: 16 November 2023).
- Nagal, B. (2017). "Nuclear Brinkmanship: Lessons for South Asia", *CLAWS Journal*. 1 (1), PP. 1-20.
- Posch, W. (2013). "The Third World, Global Islam and Pragmatis The Making of Iranian Foreign Policy", In: *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*. Available at: http://www.swp.berlin.org/fileadmin/contents/products/.../2013_RP03_poc.pdf (Accessed on: 16 November 2023).
- Reeves, J. (2004). *Culture and International Relations: Narratives, natives and tourists*. New York & London: Routledge.
- Restad, H. E. (2015). *American Exceptionalism An idea that made a nation and remade the world*. New York: Routledge.
- RodriGuez, R. (2016). "U.S. Economic Sanctions on Cuba: An International Ethics Perspective", *LASA Forum*. 47 (2), PP. 16-20.
- Schelling, Thomas C. (1980). *The Strategy of Conflict: With a New Preface by the Author*. Cambridge: Harvard University Press.
- Siraj, U.; Bakare, N. (2022). "Iran–USA Relations: From Exceptionalism to Containment Policy", *Journal of Asian Security and International Affairs*, 9 (1), PP. 99–121.
- Song, S. (2015). "American Exceptionalism at a Crossroads", *The Korean Journal of International Studies*, (13), PP. 239-262.
- Statista (2023). *Iran: Gross domestic product (GDP) from 2018 to 2028*, Available at: <https://www.statista.com/statistics/294233/iran-gross-domestic-product-gdp/> (Access 16 November 2023).
- Uz Zaman, R. (2009). "Strategic Culture: A Cultural Understanding of War", *Comparative Strategy*, 28 (1), PP. 68-88.